

جایگاه امامزادگان زن در فرهنگ شیعی ایران

علی اکبر جعفری* / آرمان فروهی**

چکیده

امامزادگان در فرهنگ شیعی ایران بدون در نظر گرفتن جنسیت آنان، به فرزندان یا نوادگان ائمه اطهار گفته می شود که به دلیل فشار و ظلم و ستم حاکمان، مجبور به مهاجرت به ایران شده و در این مسیر به شهادت رسیده یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند. در این مهاجرت ها، امامزادگان به صورت فردی یا خانوادگی راهی می شدند، اما همراهی اهل خانواده به ویژه زنان- مادران، خواهران، همسران و فرزندان- همپای این امامزادگان کاملاً مشهود است، به همین دلیل تعداد قابل توجهی از امامزادگان ایران، زنان منتسب به اهل بیت (ع) هستند. این مسئله موجب شده است تا در فرهنگ شیعی ایران و بدون در نظر گرفتن جنسیت امامزادگان، شاهد توجه ویژه ای به امامزادگان زن نیز باشیم. این امامزادگان با کنیه هایی چون بنت و امّ و القابی همچون خاتون، بی بی، شاهزاده، سیده، سستی و غیره در گوشه و کنار ایران پراکنده هستند و به همین دلیل از عوامل مؤثر در گسترش فرهنگ شیعی نیز محسوب می شوند. این پژوهش برپایه منابع کتابخانه ای، با هدف بررسی توصیفی و تحلیلی نسبت به جایگاه امامزادگان زن در فرهنگ شیعی ایران، قصد آن دارد تا ضمن بازشناسی آماری و اطلاعاتی این امامزادگان به این پرسش پاسخ دهد که: امامزادگان زن در فرهنگ شیعی ایران از چه جایگاهی برخوردارند؟

کلید واژه ها: امامزادگان، فرهنگ، زنان منتسب به اهل بیت (ع)، ایران، شیعه.

مقدمه

بررسی آیات نورانی قرآن مجید و روایات معصومین (ع) نشان می‌دهد که در خلقت انسان - اعم از زن و مرد - یک نوع همپایی و پیوستگی وجود داشته و جنسیت آن‌ها هیچ‌گاه ملاک انتخاب و برتری نبوده است. این مسئله موجب شده است تا جایگاه زن که به ظاهر و در برخی قوای جسمی ضعیف‌تر از مرد به نظر می‌رسد، در آموزه‌های اسلامی به مرتبه‌ای برسد که ملاکی برای الگوبرداری زنان و مردان شود. لذا به رغم تفاوت‌هایی که در جوامع و دولت‌های اسلامی درباره جایگاه زن و مرد دیده می‌شود، اساساً در دین اسلام این تفاوت‌ها مردود است. رهاورد این مسئله سبب شده است تا پذیرش و اعتلای زن - زنده یا فوت نموده - در فرهنگ اسلامی کاملاً مشهود باشد. این ویژگی را در میان شیعیان که آموزه‌های خود را از سرچشمه واقعی آن یعنی اهل بیت (ع) کسب می‌کنند، بیش از تمامی مسلمانان و در ایران به دلیل عشق و ارادتی که به اهل بیت (ع) دارند و نیز به دلیل پیشینه تاریخی و فرهنگ غنی آن‌ها، بیش‌تر می‌توان یافت. اساساً در فرهنگ شیعی زنان از موقعیت ممتازی برخوردارند؛ به گونه‌ای که در توصیفات و حیانی و روایی موجود درباره حضرت فاطمه (س) می‌توان آن‌ها را مشاهده کرد. براین مبنا، ایرانیان شیعی مذهب، به همان میزان که برای مردان منتسب به اهل بیت (ع) احترام قائل‌اند، زنان منتسب به ایشان را احترام می‌گذارند. اگر حضرت علی (ع) را شایسته‌ترین جانشین پیامبر (ص) می‌شناسند، فاطمه (س) را کسی می‌دانند که اگر نمی‌بود، پیامبر (ص) و علی (ع) نمی‌بودند. اگر حسین (ع) را سرور و سالار شهیدان کربلا می‌شناسند، اذعان می‌نمایند که «کربلا در کربلا می‌ماند، اگر زینب نبود» و... این ویژگی درباره اولاد بلافصل و حتی فرزندان و فرزندزادگان و منتسبان به آن خاندان در این فرهنگ دیده می‌شود، به همین دلیل احترام به امامزادگان از جنس زن در میان مردم ایران با احترام به امامزادگان از جنس مرد تفاوتی نمی‌کند. توصیه و تأکیدهای معصومین (ع) در التجا و پناه آوردن و زیارت امامزادگان از جنس زن در این زمینه مزید علّت است، که نمونه شاخص آن در ایران، احترام ویژه‌ای است که ایرانیان برای زیارت حضرت فاطمه معصومه (س) در قم قائل‌اند.

اهمّیت این موضوع موجب شده است تا در این پژوهش به بررسی جایگاه و اهمّیت امامزادگان زن در ایران پرداخته شود. در واقع ضمن بررسی اطلاعات و آمارهای موجود درباره امامزادگان زن در ایران، به طور مشخص به اهمّیت این امامزادگان در فرهنگ شیعی ایران پرداخته خواهد شد. در این زمینه برخی گزارش‌های ناهماهنگ و با

اختلافی درباره تعداد امامزادگان در ایران و به صورت تفکیکی درباره برخی استان‌ها وجود دارد، که بیش‌تر به صورت خام ارائه شده و بررسی و تحلیل نشده‌اند در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. بررسی موضوع، جوانب مختلفی از اهمیت جایگاه امامزادگان زن در فرهنگ شیعی ایران را نشان می‌دهد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

زن و مقام و منزلت او در فرهنگ ایرانی-اسلامی

یکی از موضوعات مهم و قابل بررسی در تاریخ ملت‌ها و جوامع، زن و مقام و منزلت اوست. نوع نگاه و دیدگاه جامعه به این نیمه خلقت در بررسی و تحلیل بسیاری از شرایط حاضر زنان در جوامع کارآیی دارد. این موضوع در تحلیل جایگاه امامزادگان زن در ایران امروزی به کار می‌آید، زیرا بی‌شک از عوامل اساسی و بنیادین در تحلیل وضعیت زنان در جامعه امروز، توجه به ابعاد تاریخی آن است.

آثار بازمانده از دوران نوسنگی نشان می‌دهد، ساکنان فلات ایران احترام ویژه‌ای برای زن قائل بوده‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان آن دوره را عصر مادرسالاری یا مادرشاهی نامید که زنان مدیریت قبیله را برعهده داشتند و به مقام روحانیت نیز می‌رسیدند. علاوه بر وظایف متعدد و متنوع، نگهبانی از آتش مسئولیت مهمی بود که زنان در آن عصر داشتند (گیرشمن، ۱۳۸۴: ۱۱). این مسئله سبب شد تا در دوران‌های بعد که زن این جایگاه خود را از دست داده و نظام مردسالاری حاکم شد، همچنان این حرمت‌ها حفظ شود. زن در شاهنامه اگرچه مقام مهمی ندارد و وجودشان پیرامون مسائل هوس و عشق کاذب می‌چرخد (نولدکه، ۱۳۵۱: ۱۰۶-۱۰۵)، اما همواره - جزیکی، دو مورد- مقامی ارجمند و والا و سیمایی دلپسند دارد. اکثر زنان این اثر حماسی، نمونه بارز زن تمام عیار بوده که در عین فرزاندگی، از جوهر زنانه بهره‌مند هستند (ستاری، ۱۳۷۳: ۱۳-۱۲). این جایگاه به مرور تحلیل رفت، به گونه‌ای که از زمان تشکیل دولت ماد و استحکام نظام پدرسالاری، کم‌کم زن ایرانی، پایگاه برابر خود با مرد را از دست داد، در تمام سلسله‌های آریایی پیش از اسلام در تاریخ ایران، نقش زن در مسائل مختلف و بالتبع مؤثر او را می‌توان مشاهده کرد. وجود زنان سیاستمدار و مؤثری که نام آن‌ها در تاریخ ایران باستان مطرح‌اند، نشان می‌دهد به رغم مقبولیت و پسندیده‌تر بودن پسران در مقابل دختران، در مواردی یک حادثه مهم و تاریخ‌ساز را یکی از همین زنان رقم زده‌اند. بی‌شک همین ذهنیت از موقعیت زنان موجب شده است تا در تاریخ سلاطین باستانی ایران به

نمونه‌های زنان حاکم نیز برسییم. این زمینه‌های تاریخی با ورود اسلام به ایران در کنار شرایط جدید عامل مهمی برای تثبیت جایگاه معنوی زنان نیز شد.

نگاه ارزشمند و عالی اسلام به زن موجب شد تا زن در فرهنگ ایرانی-اسلامی نیز جایگاه مهمی بیابد. در آموزه‌های اسلامی، زن و مرد از یک جنس و یک جان و سرشت آفریده شده‌اند. آن‌ها از گوهر واحدی برآمده‌اند که مکمل یکدیگرند. در آیات قرآنی، زن موجب تسکین و آرامش است (روم/۲۱) و در آیات دیگری نیز به اهمیت موقعیت زن در زندگی اجتماعی و مشارکت با مردان اشاره شده است (نساء/۱، نحل/۷۲، اعراف/۱۸۹). این مسئله از یک سواعتراضی به موقعیت زن در جاهلیت بود که زن از هیچ گونه ارزشی برخوردار نبود و همچون کالا و کنیز خرید و فروش می‌شد (منظراللقائم، ۱۳۸۶: ۴۳) و از سوی دیگر تدوین جایگاهی عالی برای این جنس از مخلوقات الهی در نظر داشت. اسلام هرگز نمی‌گوید زن برای مرد آفریده شده است و هیچ‌گاه چنین نظری هم ندارد و زن را طفیلی وجود مرد نمی‌داند (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۲۲). شهید مطهری همچنین معتقد است در حرکت و مسافت به سوی خدا، هیچ تفاوتی میان زن و مرد نیست و تفاوتی که اسلام قائل است در بازگشت از حق به سوی مردم و تحمل مسئولیت‌های پیغامبری است که مرد را برای این کار مناسب‌تر تشخیص داده است (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۲۱). این مسئله موجب شده تا در دوران اسلامی ایران نیز زنان مورد توجه خاصی قرار گیرند. نکته مهم این است که به رغم حملات و تهاجم‌های کثیری که به ایران شده و در پی آن داشته‌های فرهنگی این سرزمین در معرض شدیدترین آسیب‌ها قرار می‌گرفت؛ اما اصل تکریم را همچنان باقی می‌گذاشتند. تکریم زن در جامعه ایران عصر مغول که ناشی از بقای سنت مادرشاهی و عدم وجود برده‌داری در میان مغولان بود (ستاری، ۱۳۷۳: ۲۵۷) بعد از آن که نوعی مذكرگرایی را در تاریخ ایران شاهد هستیم تا نگاه سطحی دولت صفوی به برخی از اصول مهم اسلامی به ویژه در موضوع زن موجب شد تا خانه‌نشینی زنان با قوت بیش‌تری ادامه یابد، موضوعی که به تدریج در بافتن و تجربه کردن خرافات و باورهای نادرست مؤثر واقع شد (جعفری و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۵۹). با وجود این یک بُعد دیگر در این دوره اخیر راه اعتلای موقعیت زن را موجب شد و آن از یک سو حاکمیت تدریجی فرهنگ شیعی و ارزش‌گذاری بر این نیمه جهان خلقت بود و از سوی دیگر باز شدن پای مناسبات با دولت‌های اروپایی و غیر آن که تأثیر فرهنگی عجیبی در این حوزه را ایجاد نمود.

این مسئله اگرچه در دوران پهلوی مورد استفاده سخیف‌ترین‌ها قرار گرفت، اما قطعاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی راه تکامل و پویایی را پیمود. یک نکته اساسی در آن باره این است که به رغم مشکلاتی که برای گروه‌های شیعی در این دوران به وجود آمد، اما همچنان پایبندی به اصول اساسی و نگاه دین اسلام به زن موجب شده است تا به مرور به اهمیت مقام زن افزوده شود و کار به تعامل و توافق انجامد. اوج این هم‌آوایی را در امامزادگان زن می‌توان دید که این مکان‌ها را به یک قطب فرهنگی ثابت تبدیل نمود و می‌نماید.

امامزادگان زن در ایران

اصطلاح امامزاده در فرهنگ شیعی ایران، یک اصطلاح عام است که جنسیت، دوری و نزدیکی نسبت و حتی احراز و یا عدم احراز و اثبات نسب با اهل بیت (ع) در تعریف آن چندان دخالت ندارد. بر همین اساس، در فرهنگ شیعی ایران، به فرزندان یا فرزندزادگان ائمه اطهار (ع) امامزاده می‌گویند. البته یک معنای اصطلاحی نیز برای این واژه مترتب است و آن این که «از باب ذکر حال و اراده محل، به مدفن و مزار متبرکه آنان و بزرگان سادات در سراسر شهرها و روستاهای ایران پراکنده است» نیز امامزاده گفته می‌شود (دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۱: ۲/۳۹۲).^۱ این تعریف نشان می‌دهد که در فرهنگ شیعی ایرانی الزاماً امامزاده نباید اولاد ذکور ائمه اطهار (ع) باشند؛ از این رو، زنان، مادران، خواهران و فرزندان اناث مُنتسب به اهل بیت (ع) نیز در فرهنگ شیعی ایرانی، حکم امامزاده پیدا می‌کنند و اصولاً یکی از دلایل آمار بالای امامزادگان در ایران همین وسعت نگاه است.

امامزادگان زن در تمام ایران به جز استان‌های ایلام و هرمزگان دیده می‌شوند. بنا بر گزارش مدیرکل هیأت‌های امنای بقاع متبرکه و مؤسسات خیریه سازمان اوقاف، ۱۳۲۵ امامزاده در کشور متعلق به زنان منتسب به اهل بیت (ع) است که از نظر تعداد، بیش‌ترین امامزادگان زن در استان اصفهان، اما از نظر درصد، استان قم با ۶۵ امامزاده زن یعنی ۴۱ درصد از کل امامزادگان، این استان در مرتبه اول قرار دارد (عسکری

۱. واژگان دیگری نیز برای معرفی این اماکن متبرک به کار برده می‌شود که مشهورترین آن، آستانه است. بیش‌تر شیعیان به ویژه ایرانیان به مجموعه بناهای تعدادی از مکان‌های مقدس، آستانه می‌گویند که معادل کلمه روضه است که در عربی به کار می‌رود. آستانه عمدتاً مربوط به مدفن ائمه اطهار علیهم‌السلام و برادران و خواهران و همچنین بزرگان و اولیا می‌باشد (ر.ک دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۶۹: ۱/۶۳).

سوادجانی، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13901117001286>، تاریخ بازدید ۲۴/۴/۱۳۹۲.^۱ این آمارها نشان می‌دهد امامزادگان زن در تمام نواحی و مناطق ایران جایگاه بالایی در اندیشه و فرهنگ مردم دارند و اصولاً وجود آنها یکی از شاخص‌های فرهنگی ایران محسوب می‌شود. امامزادگان زن در ایران از ویژگی متفاوت و نسبتاً خاصی برخوردار هستند و آن این که در موارد متعددی امامزادگان زن در واقع مدفن تعدادی زن است؛ به گونه‌ای که گاهی ۱۰ تا ۳۰ امامزاده زن در یک بقعه قرار گرفته‌اند (همان). همین امر موجب شده است تا عنوان «چهل دختران» - و گاهی با تغییرات محلی به چهل اختران معروف شده - را که به تعبیر مردم محل، مکان دفن این تعداد زن یا دختر منتسب به اهل بیت (ع) و یا سیده را که عمدتاً کم سن و سال می‌باشند، در گوشه و کنار ایران شاهد باشیم.

در نمونه‌هایی، از وجود امامزادگان مشترک نیز می‌توان یاد کرد، به گونه‌ای که در یک زیارتگاه، هم امامزاده زن و هم امامزاده مرد دفن شده است. در این باره استان مرکزی با داشتن هفت امامزاده مشترک زن و مرد - امامزاده احمد و لبابه خاتون، احمد و حوا خاتون، عبدالله و طاهرو زینب خاتون، یعقوب و بی بی حلیمه خاتون، عبدالله و زبیده خاتون، ابوالقاسم و حکیمه خاتون، ابوالحسن و آمنه خاتون - بیش‌ترین فراوانی را دارد (<http://www.rasekhoon.net/article/show-57055.aspx>: تاریخ بازدید ۳۰/۴/۱۳۹۲). اما یک نمونه نادر در امامزادگان زن در ایران، وجود اسامی مردانه برای امامزادگان زن است. امامزاده محمود در دولت آباد اصفهان که بنا بر نوشته مهدوی «محموده» است و دختر حضرت امام موسی بن جعفر (ع) می‌باشد اما در بین اهالی به نام «محمود بن موسی بن جعفر (ع)» مشهور است (مهدوی، ۱۳۸۲: ۲۶۸) و امامزاده حمزه - که از نظر اهالی، جنسیت این امامزاده، زن است - در روستای سوادآباد از دهستان امان آباد استان مرکزی (<http://www.rasekhoon.net/article/show-57055.aspx>: تاریخ بازدید ۳۰/۴/۱۳۹۲) نمونه‌هایی از این دست می‌باشند. همچنین در بررسی انتساب این امامزادگان به اهل بیت (ع) و پی‌جویی شجره نامه‌ها، مردم و زایران کم‌ترین توجه را به این امر داشته و تقریباً

۱. در گزارش این مسئول سازمان اوقاف به هیچ امامزاده زنی در هرمزگان و ایلام اشاره نشده است. اما در برخی منابع برای هرمزگان سه امامزاده زن (دایرة المعارف زن ایرانی، ۱۳۸۲: ۱/۲۱۸-۱۹۲) و برای ایلام یک امامزاده زن (بانک جامع امامزادگان، ۱۳۹۰: ۵۴۱) اعلام شده است.

هیچ گاه درصدد اثبات این انتساب برنیامده‌اند.

عمده‌ترین واژه‌هایی که برای نامیدن زنان امامزاده در ایران به کار می‌رود؛ ام، خاتون، بی‌بی، شاهزاده، سیده و سستی است، اما با وجود این واژگانی مشترک با امامزادگان مرد نیز گاهی برای امامزادگان زن به کار برده شده است. مشخص‌ترین این واژگان، «پیر» و «اجاق» است. کلمه پیر که پیشوند نام تعدادی از امامزادگان زن در ایران است، به معنای سالخورده و شیخ است؛ اما در آذربایجان، افراد مسن برخوردار از معرفت و نظر کرده را که از آن‌ها می‌توان مدد خواست «پیر» می‌نامند (حبیبی، ۱۳۸۹: ۱۴). اجاق نیز اگرچه به معنای دودمان، خاندان و آل به کار می‌رود، اما در معنای دیگر به صاحب کرامت و کشف اطلاق می‌شود (حبیبی، ۱۳۹۸: ۱۴). از معنای اصطلاحی این دو واژه باز می‌توان به عدم حساسیت در اثبات انتساب امامزادگان زن به اهل بیت (ع) در فرهنگ شیعی ایران پی برد. این مسئله موجب شده است ضمن پراکندگی جغرافیایی و وجودی این امامزادگان، توجه و عنایت ویژه مردم - زن و مرد - را به آن‌ها در گوشه و کنار کشور شاهد باشیم.

پیوستگی فرهنگی جایگاه امامزادگان زن با امامزادگان مرد در ایران سبب شده است تا در بررسی تفصیلی از ویژگی‌های عمومی زیارتگاه‌ها، هر دو نوع از امامزادگان به یک صورت مطالعه و بررسی شوند. براین اساس در بین زیارتگاه‌های زنان در ایران نیز بیش‌ترین آن‌ها، زیارتگاه امامزاده هستند و پس از آن، زیارتگاه‌های زنان عابد و صالحه و بزرگان دین. همچنین قریب به هفتاد درصد از این اماکن به صورت مستمر فعالیت می‌کنند و مابقی به صورت غیرمستمر یا غیرفعال هستند. یک تفاوت عمده درباره زیارتگاه‌های زنان با زیارتگاه‌های مردان در ایران این است که اکثریت امامزادگان زن در ایران از صحن و سرا و بارگاه محدودتر، کم ظرفیت‌تر و توسعه نیافته‌تری برخوردارند؛ به همین دلیل در ایامی که فعالیت‌های مذهبی رونق می‌گیرد، به ویژه ماه‌های محرم و رمضان جز تعداد انگشت شماری از آستانه‌های امامزادگان زن فعالیت شاخص و متفاوتی از قبل ندارند. در حالی که آمار فعالیت‌ها در این ماه‌ها در آستانه امامزادگان مرد بسیار بالاست که نمونه عینی آن را در مراسم جزء خوانی قرآن روزانه در ماه رمضان یا سوگواری‌های ویژه در ماه محرم و صفر می‌توان دید. در این باره و براساس آن چه از رسانه ملی به تصویر در می‌آید، تنها آستانه امامزاده زن فعال در ایران، آستانه مبارک حضرت فاطمه معصومه (س) در قم است، در حالی که مشابه این مراسم را در آستانه امامزادگان مرد در مناطق متعددی در همین رسانه می‌توان مشاهده نمود. چنین به نظر می‌رسد که در این موارد بتوان ضعف بنیه مالی و فقدان پشتوانه‌های

محکم اقتصادی این آستانه‌ها و نیز میزان صحت انتساب آن‌ها را به اهل بیت (ع) بی‌تأثیر ندانست (رک یافته‌های طرح آمارگیری جامع فرهنگی کشور، ۱۳۸۲: ۲۵۹).

در بررسی امامزادگان زن در ایران و در مقایسه آن‌ها با امامزادگان مرد، یک مسئله مشترک میان این دو، همسانی چگونگی حضور آن‌ها در ایران است. بررسی‌های به عمل آمده و بدون در نظر گرفتن جنسیت امامزادگان در ایران نشان می‌دهد که فرار از بیدادگری‌ها و ستم‌های خلفای اموی و عباسی، همراهی با امام رضا (ع)، ناکامی آن‌ها در قیام علیه دستگاه حاکمیت و رسیدن به مناطقی که حاکمیت علوی - به ویژه مازندران - در آن‌ها حاکم بوده است، مهم‌ترین دلایل مهاجرت امامزادگان به ایران محسوب می‌شود.^۱ با وجود این طرح چند نکته تکمیلی در این باره ضرورت دارد:

زنان مُنتسب به اهل بیت (ع) به دلیل همراهی با همسران، پدران و برادران خود به ایران مهاجرت کرده‌اند.

مهاجرت فردی زنان مُنتسب به اهل بیت (ع) در گزارش‌ها دیده نمی‌شود.

به دلیل جنسیت آن‌ها، موضوع قیام علنی علیه حاکمیت‌های جابرانه خلفا به عنوان انگیزه مهاجرت، منتفی است.

زنان مهاجر عمدتاً به مرگ طبیعی فوت نموده‌اند و نمونه‌های غیر از این حالت بسیار اندک است.

عمده این زنان، همسران افراد مُنتسب به اهل بیت (ع) بوده‌اند که پیوند سببی با آن‌ها پیدا می‌نمودند و به همین دلیل در بررسی میزان صحت انتساب امامزادگان زن به اهل بیت (ع)، با مسائل امامزادگان مرد در ایران به ویژه در موضوع تعدد شجره‌نامه‌ها و ردّ و تأیید انتساب روبه‌رو نیستیم.

در این باره، مهم‌ترین استثنایی که قابل بررسی است، مهاجرت زنان وابسته به حضرت امام موسی بن جعفر (ع) و به منظور دیدن امام رضا (ع) است. شاخص‌ترین زن منتسب به اهل بیت (ع) فرزند بلافضل هفتمین امام شیعیان (ع) و خواهر علی بن موسی الرضا (ع) یعنی حضرت معصومه (س) در شهر قم است که این مسئله مورد تأیید منابع است و در این باره هیچ گونه نقضی در منابع دیده نمی‌شود. حضرت که مدتی پس

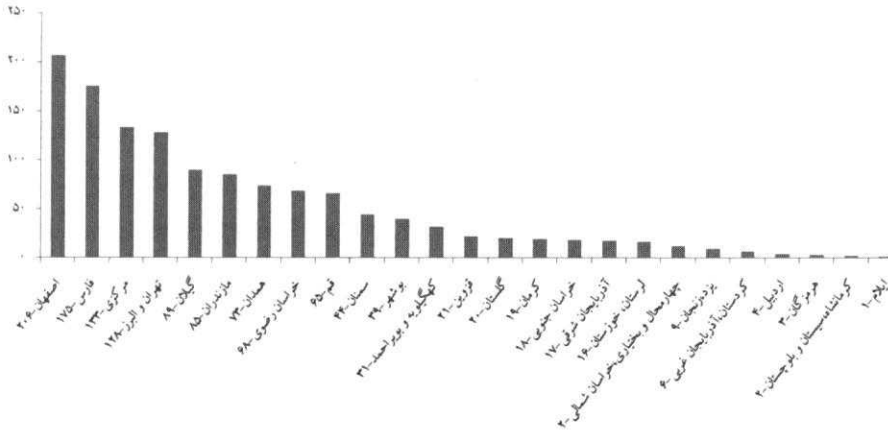
از ورود امام رضا(ع) به مرو، عزم دیدار برادر را داشت، راهی خراسان شد اما در ساوه به دلیل سختی و مشکلات مسیر، بیمار شد و همان جا ماند تا موسی بن خزرج اشعری از قم به ساوه رفت و ایشان را به قم آورد و در خانه خود سکونت داد. تشدید بیماری پس از ۱۷ روز اقامت در قم، موجب درگذشت ایشان در قم شد.^۱ این موضوع نشان می‌دهد که در مهاجرت حضرت معصومه(س) زور و اجبار و یا فرار و گریزی در کار نبوده، ضمن آن که مسیر مهاجرت از مناطقی می‌گذشته است که کانون شیعی و محب اهل بیت(ع) بودند؛ اگرچه از ناحیه حاکمیت هیچ گونه مساعدت و کمکی برای سهولت این مسافرت نیز تدارک دیده نشده بود، به گونه‌ای که حضرت به دلیل بیماری رحلت نمود. در همین دوران نمونه‌های دیگری دیده می‌شود که به دستور خلفای عباسی، مورد پیگرد قرار گرفته‌اند. بنا بریک گزارش، بی بی رقیه، حبیبه، رقیه، ساره، فاطمه و هاجراز بستگان امام موسی بن جعفر(ع) بودند که در راه رفتن به خراسان، در ری به دستور مأمون عباسی به شهادت رسیدند و در محدوده ری به خاک سپرده شدند.^۲ بررسی این گزارش‌ها نشان می‌دهد به رغم تفاوت‌هایی که در وضعیت انتساب، کیفیت ورود به ایران و رحلت یا شهادت، تعداد افراد مدفون در یک آستانه متبرک و غیره در امامزادگان زن در ایران با امامزادگان مرد وجود دارد، جایگاه اعتباری آن‌ها در یک تحلیل و بررسی کلی فاقد این تفاوت‌ها است. این مسئله که در قسمت پایانی بیش‌ترواکاوی می‌شود، نشان از جایگاه ویژه امامزادگان زن در فرهنگ شیعی ایران دارد که در تحلیل چرایی آن نباید از موقعیت زن در فرهنگ ایرانی غافل ماند.

بررسی اطلاعات آماری امامزادگان زن در ایران

اطلاعات موجود درباره تعداد، پراکندگی، نسب و اسامی امامزادگان زن در ایران از این نظر که در بررسی تحلیلی موقعیت این امامزادگان به کار می‌آید، قابل توجه است. از این نظر برخی از این اطلاعات، به رغم برخی کم دقتی‌ها در ارائه آن‌ها و یا تفاوت‌های موجود در گزارش‌ها به شرح زیر واکاوی می‌شود.

۱. قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۳؛ دایرةالمعارف زن ایرانی، ۱۳۸۲: ۲۹/۱.

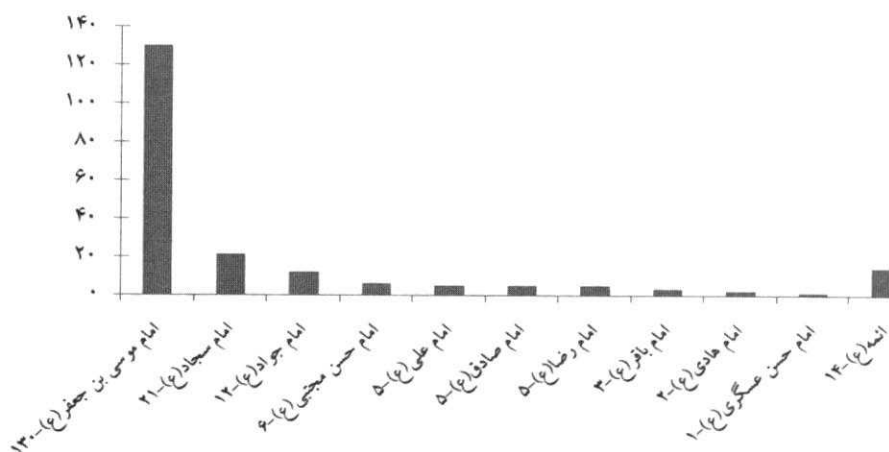
۲. کنز الانساب و بحر المصاب، ۱۳۰۲ هـ. ق. ۶۴ به نقل از حبیبی، ۱۳۸۹: ۱۵.



نمودار شماره ۱ - آمار امامزادگان زن در استان های مختلف

(ر.ک دایرةالمعارف زن ایرانی، ۱۳۸۲/۱: ۱۹۲-۲۱۸؛ بانک جامع امامزادگان ایران، ۱۳۹۰: ۵۴۱؛ <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13901117001286>؛ تاریخ بازدید ۱۳۹۲/۴/۲۴).

از بررسی تفصیلی نسب های بیان شده برای امامزادگان زن در ایران، امامزادگان منسوب به امامان به صورت مشخص، منسوب به ائمه به طور عام، به زنان صالحه و به ویژه سیده، به سرداران و سلاطین و نامعلوم را می توان یافت. در نمودار شماره ۲، اطلاعات تفصیلی درباره پراکندگی انتساب امامزادگان زن در ایران به ائمه (ع) به صورت مشخص و عام به نمایش در آمده است که در نگاه اول، این نکته مشهود است که هیچ امامزاده منسوب به حضرت امام حسین (ع) و امام زمان (عج) دیده نمی شود. ناگفته نماند به رغم این گزارش ها، زیارتگاه بی بی شهربانو در ری بنا بر شهرت عامه، همسر امام حسین (ع) است که در بررسی نسبت ها، ایشان را به سلاطین و پادشاهان نسبت داده اند. همچنین این نمودار گویای این واقعیت است که بین علاقه مندی شدید مردم به اهل بیت (ع) با داشته ها و دانش های علمی-دینی آن ها ارتباط مستقیمی وجود دارد، به گونه ای که چون اطلاعات دقیق و درستی از همسر یا همسران و فرزندان دختری امام زمان (عج) در اختیار کسی نیست، ما نیز شاهد وجود امامزاده زنی نیستیم که مُنتسب به ایشان باشد.



نمودار شماره ۲- اطلاعات تفصیلی نسب امامزادگان زن به ائمه در ایران^۱

یکی از نکات قابل توجه در بررسی تفصیلی اطلاعات امامزادگان زن در ایران مربوط به اسامی و القاب این امامزادگان است. بیشترین اسامی را در بررسی به عمل آمده، اسامی حکیمه، خدیجه، فاطمه و زینب تشکیل می‌دهند. پیشوند «بی بی» در بیش از ۲۵ درصد از امامزادگان دیده می‌شود؛ همان گونه که پسوند «خاتون» نیز بالغ بر ۱۰ درصد از امامزادگان زن را در ایران شامل می‌شود. در نمودارهای شماره ۳ و ۴، مهم‌ترین اسامی و پیشوند و پسوندهایی که برای امامزادگان زن در ایران به کار می‌رود، به نمایش درآمده است. از بررسی این نمودارها نکات ظریفی از وضعیت زن در فرهنگ شیعی ایرانی را می‌توان دریافت که عبارتند از:

۱. منابع نمودار ۲ نیز: تبریزی، محمد کاظم بن محمد (۱۳۸۸) منظر اولیا (در مزارهای تبریز و حومه)، حبیبی، حسن (۱۳۸۸) امامزاده‌ها و تربت برخی پاکان و نیکان (تهران، شمیرانات و شهرری)، ج. ۱، همان (۱۳۸۹) شماری از زیارتگاه‌های استان آذربایجان شرقی، (۱۳۸۲) به سرپرستی مصطفی اجتهادی، (بحرالعلوم)، محمد مهدی (۱۳۹۰) تاریخ تشیع و مزارهای شهرستان ساری، (۱۳۹۰) (۱۳۹۲/۴/۲۷) <http://fars.awqaf.ir/pages/showpages-620, 733, 735. aspx> معرفی امامزادگان استان گلستان (۱۳۹۲/۴/۲۷) <http://golestan.awqaf.ir/News/view-6295.aspx> معرفی امامزادگان استان کردستان (۱۳۹۲/۴/۲۷) <http://kordestan.awqaf.ir/pages/showpage-460.aspx> معرفی امامزادگان استان کرمانشاه (۱۳۹۲/۴/۲۸) <http://kermanshah.awqaf.ir/pages/showpage-463.aspx> معرفی امامزادگان استان همدان (۱۳۹۲/۴/۲۸) <http://hamedan.awqaf.ir/pages/showpage-158.aspx>

اسامی مشترک در مناطق مختلف به وفور دیده می‌شود.

اسامی و القاب و صفاتی که برای آن‌ها به کار می‌رود، در مواردی متأثر از فرهنگ محلی است به گونه‌ای که با اسامی همچون لیند، گلילה، کیاسلطان، آفانه، قرمز و قیزی روبه‌رو هستیم.

در مواردی القاب به عنوان اسم به کار رفته است، به گونه‌ای که بیش از ده امامزاده با نام خاتون در ایران دیده می‌شود؛ در حالی که در موارد متعدد دیگری، کلمه خاتون، پسوند یا پیشوند اسم می‌باشد.

بی بی، خاتون، سیده و امّ، مهم‌ترین القابی هستند که به صورت پیشوند یا پسوند برای امامزادگان به کار رفته است.

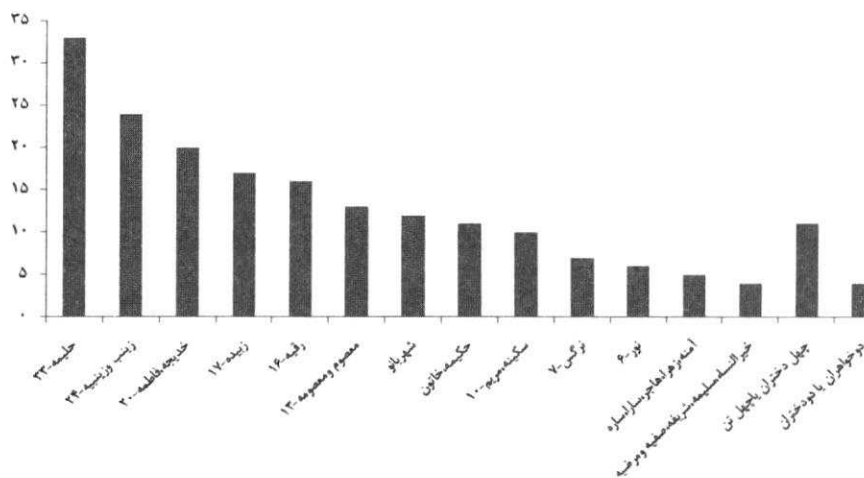
اکثریت اسامی امامزادگان زن، اسامی عربی است که به همان صورت، اما با پیشوند یا پسوند به کار رفته است. در مواردی نیز اسامی ایرانی و حتی محلی را در میان امامزادگان زن می‌توان دید، اسم‌هایی همچون بارگاه خاتون، بی بی چهارشنبه، درب آهنین.

در میان اسامی امامزادگان زن، اسم‌هایی وجود ندارد که با حروف ث، ذ، ژ، ض، ظ و آغاز شود.

در موارد متعددی اسم مشخصی برای امامزادگان وجود ندارد و تنها با عناوینی همچون دو خواهران یا دو دختران، سه دختران یا سه زن، هفت دختران یا هفت خواهران و چهل اختران یا چهل تن، معروف هستند.

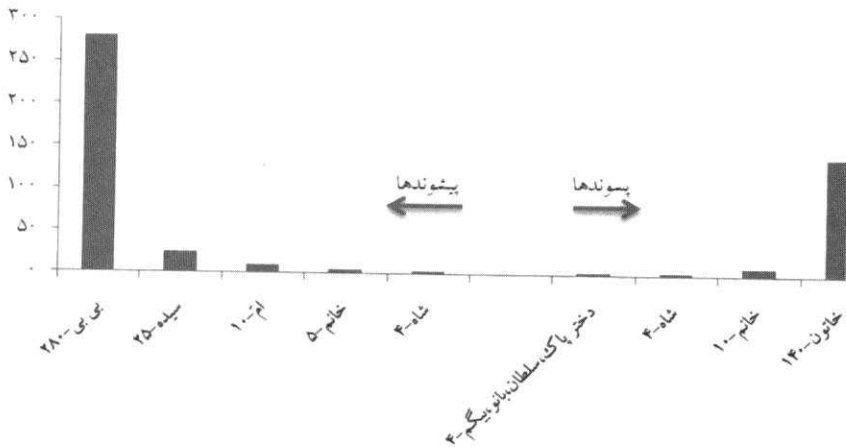
برخی اسامی همچون خاتون و خانم به عنوان اسم اختصاصی و هم به عنوان پیشوند و پسوند به کار گرفته می‌شوند.

جایگاه امامزادگان زن در فرهنگ شیعی ایران / ۱۱۷



نمودار ۳- پراکندگی اسامی خاص و عام امامزادگان زن در ایران^۱

۱. منابع نمودار ۲، ۱ و نیز: حبیبی، حسن (۱۳۸۹) شماری از بقعه‌ها، مرقد‌ها و مزارهای استان‌های تهران و البرز، شجاعی، حیدر (۱۳۸۹) *دانشنامه اماکن مذهبی، فرهنگی و تاریخی ایران*، فقیه محمدی جلالی (بحرالعلوم)، محمد مهدی (۱۳۹۰) *مزار مزار ایران* پژوهشی در معماری و شرح حال شخصیت‌های مدفون در بناهای ثبت شده ایران (استان البرز)، همان (۱۳۸۹) هزار مزار ایران «پژوهشی در معماری و شرح حال شخصیت‌های مدفون در بناهای ثبت شده ایران (استان چهارمحال و بختیاری)»، قم: وثوق؛ کاظمینی، میرزا محمد (۱۳۸۲) *دانشنامه مشاهیر: موسوی نژاد سوق*، سید علی (۱۳۸۵) *دایرة المعارف شجره آل رسول (ص) (ستارگان پراکنده اسلام زمین)*، ج ۳، مهدوی، مصلح الدین (۱۳۸۲) *مزارات / مزارهای اصفهان از قرن سوم هجری تا زمان حاضر*، تصحیح و اضافات: اصغر منتظرالقائم، یافته‌های طرح آمارگیری جامع فرهنگی کشور (۱۳۸۲) فضاهای فرهنگی ایران: فهرستگان زیارتگاه‌ها (۱-۲) معرفی امامزادگان استان خراسان جنوبی (۱۳۹۲/۴/۲۹) <http://khorasanj.awqaf.ir/pages/showpages-242,243,245,248,250,252,.aspx> مازندران (۱۳۹۲/۴/۲۹) <http://mazandaran.awqaf.ir/pages/showpages-230,231,232,287,289> 290.aspx: معرفی امامزادگان ایران (۱۳۹۲/۴/۳۰) <http://www.rasekhoon.net/article/show-57020,57022> 57026, 57028, 57029, 57044, 57048, 57055, 57057. asp



نمودار ۴- پراکندگی پیشوندها و پسوندهای امامزادگان زن در ایران^۱

اطلاعات آماری ذکر شده اگرچه به دلیل نواقص اطلاعات و تنظیم آن براساس گفته‌ها و شنیده‌های محلی تدوین شده است، اما نشانگر لایه‌های قوی و مستحکم جایگاه زن در فرهنگ ایرانی حتی به عنوان امامزادگان زن دارد که می‌تلبد تا نسبت به آن‌ها توجه و عنایت بیش‌تری شود. این ذخایر ارزشمند که پایگاه‌های معنوی مردم در گوشه و کنار کشور ایران با هر خرده فرهنگ، زبان و آداب و رسوم هستند، فرصت‌ها و امکانات مناسبی را به منظور کار فرهنگی در مناطق مختلف فراهم کرده‌اند که در بررسی تحلیلی جایگاه آن‌ها، بیش‌تر مورد توجه قرار خواهد گرفت.

بررسی و تحلیل جایگاه امامزادگان زن در ایران

با عنایت به جایگاه و موقعیت زن در فرهنگ ایرانی و گرایش آزاد ایرانیان به اسلام و عشق و ارادت و محبتی که به اهل بیت (ع) ابراز می‌نمودند و به ویژه بعد از تشکیل دولت صفویه و رسمیت مذهب تشیع در ایران و حاکمیت فرهنگ شیعی در این مرز و بوم، یکی از اصول اساسی و بدیهی قابل طرح و بررسی در مسائل فرهنگی ایران، جایگاه امامزادگان زن است. امامزادگان زن اگرچه به لحاظ تعداد، صحت انتساب، آستانه و

۱. منابع نمودار ۱، ۲ و ۳.

بارگاه مجلل و باشکوه و فعالیت مستمر فرهنگی آن‌ها در مقایسه با امامزادگان مرد در شرایط پایین‌تر، ضعیف‌تر و محدودتری قرار دارند اما همواره مورد توجه هستند. بررسی سنت‌های محلی پیرامون این موضوع نشان می‌دهد که امامزادگان زن از جایگاه ثابت و مستحکمی در منظر ایرانیان - مردان و زنان - برخوردارند؛ به گونه‌ای که از نظر پراکندگی وجود چنین امامزادگانی، هیچ استانی فاقد آن‌ها را نداریم. قدمت و صحت انتساب امامزادگان زن نیز موضوعی نبوده است که موجب تضعیف موقعیت این امامزادگان شود، به گونه‌ای که امامزادگان زن جدید - هم به لحاظ زمان دفن و هم ساخت بنا - متعددی را در ایران می‌توان سراغ گرفت. عصمت زنانه به ویژه زنان سیده و صالحه و یا کودکان موجب شده تا تعداد قابل توجهی از امامزادگان زنانه ایران با واحدهای شمارش بیش از یک - دو، سه، هفت و چهل - نفر مورد عنایت و توجه مردم قرار گیرند.

در بررسی محلی برخی امامزادگان زن در شهر اصفهان - به صورت موردی: زینبیه و سنی فاطمه - مشاهده شد که زائران این امامزادگان همان - و حتی در مواردی بالاتر - عنایت و توجه و ارادتی را که به امامزادگان مرد دارند و همان درخواست‌هایی را که از آن‌ها دارند، نسبت به این امامزادگان نیز دارند. بررسی گزارش‌های مدیریت آستانه حضرت معصومه (س) در قم و مشاهدات عینی به ویژه استناد به احادیث و روایات بازمانده از معصومین (ع) درباره زیارت این بانوی کریمه نشان می‌دهد، هیچ گونه تفاوتی از منظر مردم و بزرگان در زیارت ایشان و حضرت علی بن موسی الرضا (ع) وجود ندارد تا جایی که برخی خود را مکلف می‌دانند، همپای زیارت امام رضا (ع) - قبل یا بعد از زیارت ایشان - حتماً به زیارت خواهر بزرگوارشان نیز مشرف شوند. آستانه حضرت معصومه (س) امروزه دومین قطب معنوی و زیارتگاه ایران - و شیعیان جهان - محسوب می‌شود و همچنین مدیریت آستانه حضرت زینبیه اصفهان تلاش می‌نماید تا این آستانه متبرکه در یک برنامه ده ساله به پنجمین قطب زیارتگاهی ایران تبدیل شود. تمام این مسائل نشان می‌دهد، جایگاه امامزادگان زن در ایران جایگاهی مستحکم است.

موضوع دیگر در بررسی جایگاه امامزادگان زن در ایران به بررسی حدود، امکانات، شرایط و موقعیت امامزادگان با نیازها و درخواست‌های زائران است. در این مسئله که جز تعداد انگشت شماری از امامزادگان زن در ایران، مابقی شامل بقعه کوچک و محدودی می‌شوند و از این نظر نتوانسته‌اند رضایت خاطر زائران را برآورده نمایند، تردیدی نیست. اما نباید فراموش کرد که این مسئله در بررسی اولیه به چگونگی انتساب آن‌ها به

اهل بیت (ع) باز می‌گردد. به رغم این که در بررسی بیش از هزار و سیصد امامزاده زن در ایران، موضوع صحت انتساب به عنوان دغدغه اصلی زائران و مجاوران نیست اما نباید از این موضوع نیز غافل شد که معدود امامزادگان زن که دارای آستانه مجلل و فعالیت مستمر و اقبال عمومی فراوان هستند، آن‌هایی هستند که در بررسی‌های تاریخی از صحت انتساب و یا فاصله کم انتسابی با اهل بیت (ع) برخوردارند. امامزادگان زن در این مورد خاص متأثر از شرایط و ویژگی‌های امامزادگان مرد هستند، ضمن آن که مدیریت مردانه آستانه‌های متبرک، محدودیت منابع درآمدی، پراکندگی وسیع و قرار داشتن آن‌ها در روستاهای دورافتاده، وجود امامزادگان مرد در نزدیکی به این امامزادگان و نگاه مدیریت کلان سازمان اوقاف و امور خیریه به این دست از امامزادگان نیز در این وضعیت دخیل هستند. علاوه بر این، فرهنگ مردسالاری که چندین قرن است در ایران خودنمایی می‌کند، در شکل‌گیری چنین جایگاهی بی‌تأثیر نبوده است. این مسئله را باید به طور قطع یکی از چالش‌های جدی شرایط فرهنگی جامعه و واقعیت‌ها و مدیریت آستانه‌ها دانست؛ به گونه‌ای که در مواردی هم که ادله لازم برای اثبات زن بودن یک امامزاده بر مرد بودن آن برتری دارد، امکان این عادت شکنی فرهنگی وجود ندارد و مسئولان بالادستی و هیأت‌امناهای این آستانه‌ها ترجیح می‌دهند، باورهای مردمی را دست‌نزنند و امامزاده را همچنان یک امامزاده مرد معرفی می‌نمایند. این مسئله خود در رواج باورهای ضعیف و نادرست و گاه خرافی پیرامون سنت‌ها و آداب و رسوم مربوط به جایگاه آن امامزاده مؤثر واقع می‌شود، موضوعی که در این نوع امامزادگان فراوانی بیش‌تری دارد.

نکته دیگر قابل بررسی در جایگاه امامزادگان زن در ایران، توجه به اسامی و القاب و کنیه آن‌هاست. جز موارد استثنایی، تمامی امامزادگان زن در ایران دارای اسامی، القاب و کنیه‌های اسلامی هستند. در میان اسامی، حلیمه که یادآور عشق و دلدادگی یک زن رنجور و محروم به یک طفل شیرخوار صغیر و بدون پدر است، بیش‌ترین فراوانی را در ایران دارد. پس از این نام، زینب و سپس خدیجه و فاطمه قرار دارند. توجه به این نام‌ها در تاریخ اسلام نشان می‌دهد، بزرگ‌ترین حماسه زینب (س) نگه‌داری از فرزندان بی‌سرپرست و کمک به ایتمام و حفظ جان آن‌ها و دنباله نهضت حسینی بود. همان گونه که حضرت خدیجه (س) مظهر فداکاری در صدر اسلام بود، حضرت زهرا (س) نیز در مراقبت از پدر خود پس از فوت مادرش به منزلتی دست پیدا کرد که به «ام ابیها» مشهور

شد. این واقعیت‌ها را در لایه‌های مختلف فرهنگی جامعه ایران به ویژه با ورود امامزادگان زن با این اسامی می‌توان دید. نگاه جامعه ما به امامزادگان زن این است که این امامزادگان همچون صاحبان اسم آن‌ها می‌توانند در پناه دادن، محافظت کردن و برآوردن خواسته‌های ملتزمان، مؤثر باشند. لذا شاهد شیفتگی و عشق و ارادت عمومی نسبت به این امامزادگان در مناطق مختلف کشور هستیم و از این بابت تفاوت محسوسی دیده نمی‌شود.

نتیجه

بررسی آماری و تحلیل داده‌های اطلاعاتی پیرامون امامزادگان زن در ایران نشان می‌دهد: قریب به ۱۵ درصد از کل امامزادگان و بقاع متبرکه در ایران را امامزادگان زن تشکیل می‌دهد.

در بررسی پراکندگی جغرافیایی و مکان‌یابی امامزادگان زن در ایران، تمام استان‌های ایران دارای چنین امامزادگانی هستند.

اگرچه صحت انتساب امامزادگان زن در منظر عمومی و زائران آن‌ها کم‌تر مورد توجه است؛ لیکن اولاً بیش‌ترین انتساب زنان امامزاده به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد - همانند امامزادگان مرد- ثانیاً، یکی از دلایل کم‌رونقی و آبادانی آستان‌های متعلق به امامزادگان زن، همین مسئله انتساب است.

جایگاه مهم و مؤثر امامزادگان زن در ایران متأثر از موقعیت زن در فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و دوران اسلامی، موقعیت زن در اسلام به ویژه در نگاه معصومین (ع) و نیز رسمیت مذهب تشیع در ایران است.

تفاوت محسوسی بین نوع درخواست‌ها و آرزوهای زائران امامزادگان زن با مرد دیده نمی‌شود.

رفتارهای ویژه در امامزادگان زن از جمله نوع نذری‌ها، نوع باورها، دخیل‌ها و سنت‌های ضعیف تا خرافی در مقایسه با امامزادگان مرد بیش‌تر است.

در فرهنگ شیعی ایران منزلت و جایگاه امامزادگان زن به گونه‌ای است که در موارد متعددی شاهد آستانه‌های متعلق به تعداد بیش از یک زن - تا چهل تن - می‌توان بود.

براین اساس به نظر می‌رسد با برنامه‌ریزی دقیق و نگاه وسیع‌تر و با سرمایه‌گذاری مناسب می‌توان از امامزادگان زن در ایران به عنوان قطب‌های مهم فرهنگی به ویژه برای

اعتلای فرهنگ معنوی در میان زنان جامعه که توجه ویژه‌ای به این امامزادگان دارند، استفاده نمود. این موضوع نیازمند مطالعه دقیق‌ترین نمونه از امامزادگان و تهیه شناسنامه دقیق تفرهنگی و تدوین برنامه جامع برای کل این امامزادگان است که دستیابی به آن خارج از توان و شرایط فرهنگی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیست.

منابع و مآخذ

الف: کتاب

- قرآن کریم

- تبریزی، محمد کاظم بن محمد (۱۳۸۸)، *منظر اولیاء (در مزارات تبریز و حومه)*، مصحح میرهاشم محدث، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- حبیبی، حسن (۱۳۸۸)، *امامزاده‌ها و تربت برخی پکان و نیکان (تهران، شمیرانات و شهر ری)*، کارگروهی بنیاد ایران شناسی، ج ۱، تهران: بنیاد ایران شناسی.
- _____ (الف ۱۳۸۹)، *شماری از بقعه‌ها، مرقدها و مزارهای استان‌های تهران و البرز*، کارگروهی بنیاد ایران شناسی، ج ۲-۱، تهران: بنیاد ایران شناسی.
- _____ (ب ۱۳۸۹)، *شماری از زیارتگاه‌های استان آذربایجان شرقی*، کارگروهی بنیاد ایران شناسی، سرپرست طرح در شعبه: محمود رنجبر، تهران: بنیاد ایران شناسی.
- خزاعی، ابومحسن یجلوله بن یحیی (۱۳۰۲ ه.ق)، *کنز الانساب و بحر المصاب* (چاپ سنگی)، به کوشش میرزا محمد ملک الکتاب شیرازی، بمبئی.
- *دایرة المعارف تشیع* (۱۳۶۹-۱۳۷۱)، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، بهاء الدین خرمشاهی و کامران فانی، ج ۱ (۱۳۶۹)، ج ۲ (۱۳۷۱)، ج ۳ (۱۳۷۱)، تهران: مؤسسه دایرة المعارف تشیع با همکاری نشر یادآوران.
- *دایرة المعارف زن ایرانی* (۱۳۸۲)، به سرپرستی مصطفی اجتهادی، ج ۲-۱، تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری و بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- ستاری، جلال (۱۳۷۳)، *سیمای زن در فرهنگ ایران*، تهران: مرکز.
- شجاعی، حیدر (۱۳۸۹)، *دانشنامه اماکن مذهبی، فرهنگی و تاریخ ایران*، تهران: بی‌نا.
- فقیه محمدی جلالی (بحر العلوم)، محمد مهدی (۱۳۹۰) *تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری*، قم: وثوق.

جایگاه امامزادگان زن در فرهنگ شیعی ایران / ۱۲۳

_____ (۱۳۹۰)، *هزار مزار ایران* «پژوهشی در معماری و شرح حال شخصیت‌های مدفون در بناهای ثبت شده ایران (استان البرز)»، قم: وثوق.

_____ (۱۳۸۹)، *هزار مزار ایران* «پژوهشی در معماری و شرح حال شخصیت‌های مدفون در بناهای ثبت شده ایران (استان چهارمحال و بختیاری)»، قم: وثوق.

- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح سید جلال تهرانی، تهران: طوس.

- کاظمینی، میرزا محمد (۱۳۸۲)، *دانشنامه مشاهیر یزد*، ج ۱، یزد: بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانة الزهراء.

- کتاب الکترونیکی بانک جامع امامزادگان ایران (۱۳۹۰)، واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

- گیرشمن، رومن (۱۳۸۴)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی، چ ۱۶.

- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: صدرا، چ ۶۱.

- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۶)، *تاریخ اسلام (از آغاز تا سال چهارم هجری)*، اصفهان: دانشگاه اصفهان و سمت، چ ۲.

- موسوی نژاد سوق، سید علی (۱۳۸۵)، *دایرةالمعارف شجره آل رسول (ص) (ستارگان پراکنده اسلام زمین)*، ج ۳، دهدشت: کومه.

- مهدوی، مصلح الدین (۱۳۸۲)، *مزارات اصفهان از قرن سوم هجری تا زمان حاضر*، تصحیح و اضافات: اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

- نولدکه، تئودور (۱۳۵۱)، *حماسه ملی ایران*، تهران: سپهر، ۱۳۵۱.

- یافته‌های طرح آمارگیری جامع فرهنگی کشور (۱۳۸۲)، فضاهاى فرهنگى ایران: فهرستگان زیارتگاه‌ها (۱-۲)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.

ب: نشریه

- جعفری، علی اکبر و مرجان رضایی (۱۳۹۰) «بررسی نگرش زنان شیعه عصر صفوی به خرافات و باورهای نادرست»، دو فصلنامه علمی-ترویجی بانوان شیعه، س ۸، ش ۲۶: ۱۶۱-۱۳۳.

ج: سایت‌های اینترنتی

مصاحبه با آقای عسکری سوادجانی (۱۳۹۲/۴/۲۴)

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13901117001286>

معرفی امامزادگان استان فارس (۱۳۹۲/۴/۲۷)

<http://fars.awqaf.ir/pages/showpages-620,733,735.aspx>

معرفی امامزادگان استان گلستان (۱۳۹۲/۴/۲۷)

<http://golestan.awqaf.ir/News/view-6295.aspx>

معرفی امامزادگان استان کردستان (۱۳۹۲/۴/۲۷)

<http://kordestan.awqaf.ir/pages/showpage-460.aspx>

معرفی امامزادگان استان کرمانشاه (۱۳۹۲/۴/۲۸)

<http://kermanshah.awqaf.ir/pages/showpage-463.aspx>

معرفی امامزادگان استان همدان (۱۳۹۲/۴/۲۸)

<http://hamedan.awqaf.ir/pages/showpage-158.aspx>

معرفی امامزادگان استان خراسان جنوبی (۱۳۹۲/۴/۲۹)

<http://khorasanj.awqaf.ir/pages/showpages-242,243,245,248,250,252,.aspx>

معرفی امامزادگان استان مازندران (۱۳۹۲/۴/۲۹)

<http://mazandaran.awqaf.ir/pages/showpages-230,231,232,287,289,290.aspx>

معرفی امامزادگان ایران (۱۳۹۲/۴/۳۰)

<http://www.rasekhoon.net/article/show-57020,57022,57026,57028,57029,57044,>

[57048,57055,57057.aspx](http://www.rasekhoon.net/article/show-57048,57055,57057.aspx)